

## دانسته و دانسته نیست

حسن حسین الاطرش تأثیرگذار ادبیات و جمیعت زبان‌های لوسیه بر مبانی  
جمهور فاصله میان اندیشه

## پیاره‌کنیشی کدام اسلام

عبدالله الدین سوڈانی رئیس سیاست اسلامی پژوهی برگزانت با پندت اسلام

## مشعل طیاب

بیانات علی‌الدین علی‌الجواہری متأثرگر اندیشه اسلامی، تو اسلام مدنیت آشیانی کرد  
کمال مسیحی



# الکویتیه اسلامی

حسن حنفی از طریق تحکیم ادبیات وحدت، به شاخص‌های توسعه برمبنای مفهوم «امت» می‌اندیشد



حسن حنفی احمد رضا وصفی

در میان متفکران معاصر مسلمان، دکتر حسن حنفی چاپگاه و زمانی دارد او در مباحث خود شبیوهای خاص را دنبال می‌کند و مطالعاتش در دستگاه استاد پژوهش‌العلوم شده است تا آنچه در دکترین جدید پیام می‌کند محکم و مستدل به نظر آید. حسن حنفی از مددود توادیشان عرب است که بالذیشه انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست آن آشنا شد. زمانی که در اروپا به سفر می‌برد، با دکتر علی شریعتی از ترددیک آشنا شد و دوستی برقرار کرد. در روزهای نخست انقلاب اسلامی هم برای آشنا شی پادشاهی فکری اعلم خمینی<sup>۱</sup>، پیشگیر می‌اخت ولایت فقیه و حکومت اسلامی ایشان بود. اور نخست مقدماتی ای که پیش از این گفت و گو داشتیم، چنین نقل کرد که او اولین انقلاب، کتاب‌های امام را پاکش و شوقي خاص در زیر پاکتوی بلند مشکی اش، بین طبقات دانشگاهی تاهره، جایه چاهی کرده است. حسن حنفی معتقد به بازخوانی علم کلام اسلامی است. او هم گوید می‌عنی چون توحید را یابید از دایره صرف نظری خارج ساخت و در میدان عمل نیز کار کرد آن را چیزی بود که معتقد است توحید در اسلام متفاوت با دیگر ادیان است. توحید را یکی از مثال نفاوت توحید با تعلیت در مسیحیت به نوع نگاهی که در این آدستگاه به عمل داردند، باز می‌گردد. توحید امری عقلانی است اما تعلیت امری است رمز الود و نهفته در عالم غیر بد توحید در اسلام ارتقا طی سیار ترددیکی با ذات انسانی، دارد. توحید یعنی پکار چنگی سخن و عمل و دوری از تفاق و رواکاری. توحید یعنی آزادگی و جامعه توحیدی یعنی جامعه‌ای که کاستن از اختلافات طبقاتی را در دستور کار دارد. توحید در نظام جهانی یعنی مخالفت با ازاید پرستی و کاستن از فاصله میان قوی و ضعیف. توحید یعنی به میدان آمدن قوای به حاشیه رانده شده و آوردن آنها به میدان اصلی. شاید بتوان دستگاه فکری دکتر حسن حنفی را به دستگاه فکری دکتر علی شریعتی ترددیک دانست. او اعتقادیه مکتب ساز بودن اسلام دارد حنفی قلاش چنددههای خود را صرف پیازسازی پیاساری از مفاهیم اسلامی کرده تا پتوانیم زعم خود اسلامی پویا براي این زمان معرفی کنند.

ما موفق شدمایم از دل سنت راه و الگویی مر مقابله با دستگاه پیام‌کنیم اما آیا تو استایم برای توسعه الگویی به دست آوریم؟ ما الگوی استفاده درست از نعمت‌های الی راضی داریم گاهی تصور می‌شود فیض مسلمان‌ها می‌شکند که چگونه از نعمت‌های خداوند استفاده کنند اما مانعی داشتیم چرا این گونه شده؟ مگر نهاین است که در سنت اسلامی ملکیت از آن کس است که ایجادی پیاقرند؟ مگر نهاین است که اسلام منهوم زمین را تهیا آبادی می‌شناسد و زمین عمران نیافر و غیر آبادی ارزش است؟

پس الگوی مناسب برای آبادی و عمران در اسلام، چگونه درست تفسیر شده است؟ اگر این بر نامه هاید برای تنظیم و فشار مناسب سیاسی و اجتماعی در هر صد دخل و بین‌الملل به کار رود؟ این همه ظلم و نیاهی در جهان اسلام ناشی از چیست؟ عدالت

۴- مایا چالش‌های فراوانی در دنیای اسلام روبرو هستیم؛ چالش‌های که برخی از آنها به جایگاه مفاهیم مربوط است و برخی به جایگاه عملکرد و فقار و نوع مدیریت در این گفت و گو آنچه برایمان مهم است نتش و عملکرد مفاهیم استبداد مثال مایا اکدام پشتواه و دکترین مفهومی می‌توانیم به استقبال توسعه برویم؟ آیا است برای ساخت چنین پشتواهی، اینگاه نوش است یا خود را امفوی مقابل آن یاد است کم مسکوت در پولبر آن می‌داند؟

پرسش مهمی است با کدام دکترین پایه، توسعه و سازندگی دست یافت؟ آیا الگوی مناسب وجود دارد؟ این الگوی چگلت؟ فر عراق ویران شده؟ در قبر دنگلاند؟ از گرستگی مسلمانان چه راه بر قطعی موردنیست؟



پرچم سرمه از پروردگار  
خانی را مهندی کنی کل  
لو دستش جهان عرب و بیرون  
اسلام خواهی کرد این دسته های  
امتحانات اکثر از این دسته  
ویرانگاه اسلام که از اینها  
دستوری نداشتند همچنانی  
تست که با این دستوری های  
نیاز است که یک سرمه  
میتواند مکتب سازی کرده  
مشغول خود را درست کردن  
اسلامی کند این دسته های کار  
منسقی و سرمه کننده  
کوچکی هایی میباشند که از  
بعضی من میباشد که اینکه  
در این بینی سهل باشد

وی میین قرار گیره اجتهدار پایه شرایط هر زمان شکل می گیرد و معنی «صلاحت» هم همین است + شما معتقد بود دنیای اسلام می تواند نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی و ارتقا طاتی خاص خود را داشته باشد؟ میانی ای که از سنت برای این منظور استخراج کرد چهیده کدامند؟ نظام سیاسی اسلام نظامی منطق است دولت اسلامی، دولتش این جهانی است بیعت یکی از پیش از نظام اسلامی است لسلم درین لست برایه عقد بیعت چهارمینی که چهارمین می بینند امور ایران عده می گیرد برخلافت من از سنت این است که آن کس که امت بالو بیعت می کند شایسته و خدمتکار است و نه تمایل به عالم قسمی چنین فردی در حیال باید پاسخگوی مردم باشد نظام اقتصاد اسلام، پایه مالکیت عمومی استوار است تولید در اقتصاد اسلامی، اصل است و خدمات فرع نظام اجتماعی اسلام، پایه ایه لایه ایه فرق و اقوام با یکدیگر شکل می گیرد و عدل و مساوات در این حالت منابعی می شود. توجه داشتن و رسیدگی به امور یکدیگر، اصل است پیامبر فرمود از مانیست، آن کس که همایه ایشان گرفته باشد «لیش منامن پشت شبیه و چاره». دستور العمل رسمیه ای و تبلیغاتی اسلام، پایه ایه آزادی اندیشه و تاکید بر نظرات مردم است پس همان رسانه های جمعی، رسمله به نمایندگی از افراد کار جمعی ملت، ناطق بر دستگاه حاکمیت است. منفعت و مصلحت عمومی در ایرانی قانون، یک اصل است امور حسنه و طیبه دولت است امر به معروف و نهی از منکر بر هر فسان آناد و توانی و تجلی است در نظام اسلامی، قانون دولتها محدوده می گذارد کس مخالف قانون عمل کند عزل می شود قانونگذاری در دست و کلام ملت است و نهاده قضاوت مستقل عمل می گند اگر صاحب قدرت اشتباه کند با آنها بر این قانون برخورد می شود زیرا کترین نظام به نظام اسلامی

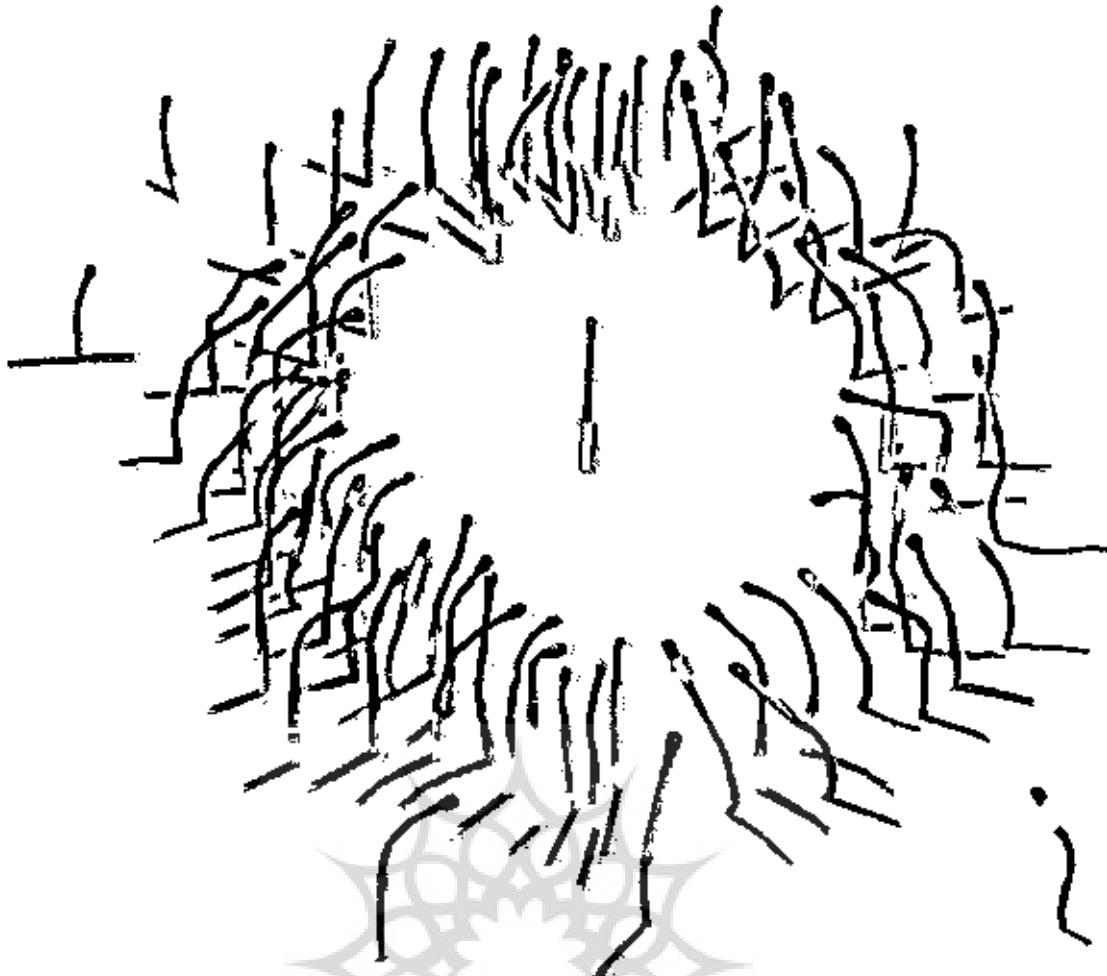
اجتماعی اسلام باشد؟<sup>۱۰</sup> کوئی توزیع ثروت در اسلام چگونه است؟ چگونه باشد رابطه بین فقر و غنا را با التکوی اسلامی تعریف کرد؟ چرا فقیرترین انسان هاروی کوه زمین، در چهار اسلام جای گرفته اند و غنی ترین انسان ها هم باز در چهار اسلامند؟<sup>۱۱</sup> آیا حجج نیست که شاهد مثل برای انسان های فقیر و غنی، در هنری اسلام است؟ علت وجود این حجم از شکم های سیر و دهان های گرسته در دنیا اسلام چیست؟ این همه کاتحهای سر به فلک کشیده و کوچک های ویران بر اسلام کدام فرم هنگ شکل یافته است؟

امرور پرسش جدی در مقابله مالین است که چگونه بهاید اندیشه شد؟ چگونه باشد عمل کرد؟ چگونه باشد پیده شما اشتغالی و تحلیل کرد؟ چگونه باشد تو سنت برداشت کرد؟<sup>۱۲</sup>

فلسفه من (خواه این متن از مستنهای هنری اسلام و شرقی باشد، خواه از سنت غربی) چیست؟ ای متن، معنای ثابت دارد؟ ای متن، تنها علیرغم نگارش یافته است؟ ای از خواه ای متن شکل یافته؟ ای این پایان ماجراست؟ ای اسخن گفتن از متن، سخن گفتن از تباری است که به متن وجود دارد؟ ای این ونقل یک متن، یعنی نقل یک تک تجزیه؟ ای این ونقیت زمان و مکان متن را هنگام قرائت متن باشد نه است؟ این پرسش ها هم به دنبال یک پاسخند چگونه می توان به افریشی جدید در حوزه دین و منظور دستیابی به تosomeه دنیا اسلام دست یافته؟

شریعت مقدسی خارج که در راستای ضرورت های حیات انسانی است حق حیات،

شروع مقصودی باشد که در راستای ضرورت‌های حیات انسانی مستند حق حیات، حضور عقل و ارزش‌های مندن دین و کرامت انسانی و توزیع نروت اینها همچویک انسان سکولار هم بازدید شریعت بر پایه مبانی این دینها وضع شده و به بررسی مبنی آن دنباله‌های تکمیل‌های رفاهی انسان در آن قابل تعریف است. در آخرین قدر متعارف برای این تدبیر است: نمایی احکام شرعی، مبتنی بر اسلامیه علت و شروطند. اینها در مصدر اصلی قانون گذاری اسلامی است؛ اینها دری که پس از جمیع امت بر لغظ



دایرہ تئگ تکرار رہا شد و چهلانی اندیشید شما در آن بات این مدعای معتقد دید فلسفه اسلام در قرن سوم مکار جنین نیتش را عوهده گرفته است لطفا

در این حضوض پیشتر توضیح دهید.  
 فلسفه اسلامی‌ایمختن یادیگر حوزه‌هایی اندیشه علم کلام فاسقی را پدید آورده است  
 فلسفه چنین خدمتی به کلام نمی‌گزد علم کلام در تکرار مباحث ذاته صفات، افعال،  
 معادل‌یافتن و محتال این باقی می‌ماند آنچه موجود شد فلسفه اسلامی متولد علم کلام را  
 توسعه مدد، در نتیجه از تعلیلی بود که پایان‌سخمهای خارج از دنیای اسلام برقرار کرد  
 فلسفه اسلامی‌ایمختن با تدبیش‌هایی فلسفی خارج از حوزه اسلام، و اینکه آن بنده حال  
 می‌خواهد تن و مدلری به بونان پاشد پایه روم غریب پایه قارس پایه هنرمندی می‌نمهم ان  
 بست که در تحول علم کلام و نوع بلوغ مسلمانان نقش جدی‌ای یابی‌فرازد فیلوفان مسلمان  
 در گذشته با احوالی از قره‌هند آشنازی کامل ملکت‌نشست فرهنگی بوده که باستی به  
 مسته‌هایی در وسیع خودشان بوده همچوں علم کلام و فقه و دینگری فرهنگی بوده‌روزی که  
 از طریق کنش فکری یادیگر انکار، وارد دنیای اسلام شده بود آن‌لار چنین کنشی در نوع  
 گفتمان و به تعبیر چیگر، آثیت‌فلسفه سیلار موثر بوده است فلسفه به جای استفاده  
 از واژه «الله» که از واژه‌ای شایع در علم کلام بوده از واژه‌ای چون «واجب الوجود» علت اولی یا  
 بعدی که از استفاده کرد

آنچه فلسفه‌گران مسلمان در دیده‌های تجربت‌الله‌ای گنجام داشند، بهره جستن از محاذای سنت و زبان برون دینی زمانه بوده آنها با این کار می‌خواستند رویکردی فراتر از اندیشه‌های درون‌اسلامی داشته باشند و فلسفه‌اسلامی را از این قابلياتي و ادبیات جهانی طرح گردند. آنها می‌خواستند راه ابراری گفتگوگو با غیر مسلمان باز کند آنچه در دستگاه سنت فلسفه‌اسلامی در این زمینه رخ ماد. پیروندانه یشه بودین داخل و خارج آن دسته از علمای تکفه‌هار گفتشن درون دینی بهره‌منی گرفتند پا منکلهم بودند یا فقهیه و اثنی، که از گفتشن و مفرادات وارد شده به چهان اسلام بهره گرفتند زیرا این پلیسونه هاشتند. برای مثال معتبر کاول در فلسفه پيونی، خالق عالم نیست اما در اندیشه‌های اسلامی، این و ازهاری اندیشه‌برای خالق عالم به کار برده شد.

امام امروز در دلیای اسلام، فیلسوفی که پتواند چنین گفتگویی را تولید کند.

پله، ناریه، آنچه هنوز در ادبیات فلسفه اسلامی به کار می‌برد، همان الفاظ است پیشین یونانی است، یعنی همن و ازگان گذشته دور که از میروان و آم گرفته شده بود اگر بخواهیم «فلسفه اسلامی معاصر» داشته باشیم، باید دید آیا این توابیم از گفتمانی استفاده کنیم که ملا دکارت برای تمهیم از خداوند به کلو می‌سرد (همچون واژه کمال) یا آنچه اسپیروز ابه کفر می‌برد (همچون واژه چوهر) یا آنچه کلست به کار می‌برد (همچون واژه مثال) یا آنچه هگل به کار می‌برد (همچون واژه روح و واژه معانی از این حست) استفاده از چنین واژگانی، چیزی نیست جز وام گرفتن از الفاظ امروز فلسفه غرب، همان گونه که پیشینان و آم گرفته‌اند. چنین اتفاقی اکثر دهد، پیوندی دیگر نیست، لغتی غرب، لغه اسلام را بدین خواجه‌اند

در دنیای غرب، نظام دموکراسی است، از نظری که مخالف حالتی بود و دستگاه کلیسا و امپراطوری را کنار گذاشت، چنان‌که این حیثیت است. لایه مخالف هر گونه فرهنگ

صحت، اعم لر شخص و فروت است فرعون هام عتقدند ها علشت تکمیل من المعتبری و  
السلام معتقد است هوان فرعون تعالیٰ في الأرض و آنہ لمن الشّر لبیه، «کلّهُنَّ مِنْ  
قَبْلِكُمْ كَمَا كُلُّوا أَشْدَمَنِكُمْ قُوَّةً» و این سنت تاریخ نست «وَلَمْ يَلْمِمْ إِلَّا لَعْنَتْ مِنْ قَبْلِهِ  
مِنَ الْفَرَّوْنَ مِنْ هُوَ لَذَّهُ لَهُ لَوْمَهُ». همچ طافوتی مشروعت بدلاره «أَلْفِمْ بَسْرَوْهُ» ای الارض  
قیمتلر واکیت کن عاقیبه الدین من قبایهم گذشت اکثر هنمه و اشد قویه و اشار ای الارض فنا  
اشتی علئهم ما گذشت ای شکسون. عاد و نمود چین اسنکماری گردنه خدا نماید لست خبریروا  
فی الارض بغير الخلق و قالوا مام اشد مانعوه اولم بیروا ان الله الدي خلقهم هو اشد منهم  
قویه و کاتبا با پايانها بخدمتون.  
ما همچ راهی جز بارسلزی هويت خوش نداريم بازار خوبتی سنت می هوان مپرس

۴- اشکالی که در گفتمان سنت گروایان وجود دارد، این است که به وحدت جامعه اسلامی نصی انجامد و شعار «سنت برای استفاده های مذهبی» به کار می رود به عبارتی، گفتمان سنت گروایان، بیشتر تغیر پذیری کننده هفدهم آمده است.

حرست است، لاما تو ان دهیات وحدت راهم تولید کرده اگر شریعتداران زبان خود را به زبان طبیعت و زبان این جهان نزدیکتر کنند و به جای سخن گفتن بسیار از ماله غایب فدری بوای عالم حس و این جهان و چونکی سیلان دلنم به این دل بسیار نمی‌توان چنین لهیاتی را تولید کرد اما هر چیز که این نویسندگان اخلاق را افسوس می‌کند افسوسه اخلاق‌ها مانند میل عراق سوطن و منزب عربی را در خود بلطفه است خطر اخلاقه مفتر عربی و اندیشه‌دهی کند پرای مثال مفتر عربی این استعداد را دارد که بین بیر و گرب تقسیم شود مناطق چنان‌مانی و نیجریه هم این استعداد را دارند که بین عرب‌های مسلمان در شمال و سیلان زنگی می‌سینی در جنوب تقسیم شود کشور

برچگان همچوین این هم بین مسنداد را دارد که بین مسلمانی و ساریانی همین شوه کشور سوریه هم این استعداد را دارد که شکاف بین عنوان های شیعی باشند ها به استر شود اختلاف بین زاندیشان و سنت گرایان هم در منافقی مثل کوبت، الجزایر و در کل مغرب عربی نگران کننده است. در مصر هم اختلاف بین مسلمانان و مسیحیان قطبی نیز نداشته است. بلطف گفتنی خود بالوار و لمید ساز فراغم کرد. باید شاخت گفته راجدی گرفته باید از مواجه شدن با آن دیدیشه های دیگری هراسی به دل زانه نداش باید از گفت و گواید گران استقبل کرد.

و شما معتقدید که ما نیازمند تحول در گفتمان هستیم تا بار دیگر یتوانیم طرحی جدید از آن کنیه باز سوی دیگر معتقدید این گفتمان می تواند مخاطبی جهانی داشته باشد و برای اینکه به گفتمانی جهانی پرسیم، بیشترین سهم را به گفتمان فلسفه و انسانیت می دهد، معتقدند بازیار قلمصه. مر توان از



حسن حسنه مدنیت  
کلبری توتساری و پارسی  
ستادکار اسلامی، بایگان  
عقل پوش و مصلحت‌داشته  
دلم کریم و پرسنی  
چندکاری همین فرمی  
کفر شناسی نهادن  
جهادی اسلامی همین  
و تابیر اسلامی یافشند که  
همیز نویشند کارکاره همین  
لذکر و قلصه‌گردی همین سلام  
پذیری همین احمد کوئی برینه  
جعفر حسن و حافظه توان  
امن آغازی همین ورشه ناسی  
فکر اسلامی و علمی همین  
کنیزه اسلامی همین

## مانیازمند درکی تازه‌از مفهوم توحید هستیم؛ درکی با کار کرد مناسب برای واقعیات دنیا؛ درکی که بتواند در برآبر مشکلات گوناگون از اشغالگری و دیکتاتوری گرفته تا پایمال شدن حقوق انسان، راه حل ارائه کند

وختی گفت توکوچیه یا بن  
محمد سوسو فرهاده گفت توکوچیه  
پژوهی گردیده اصلی  
می‌گذیرم همچنان  
دشمنی میل از سطوحی  
و خلاصه‌هایی در جهان  
هر چهار چهل و سه هزار  
نحوی مثالی از تاثر انسانی  
می‌دانندیار مسیحیان  
این مسیحیان نهادهای  
مذهبی را در دنیا  
جایگزینی نهادهای  
مذهبی اسلامی نهادهای  
کلیسا در جهان علی‌رغم  
الحادی و حمایت  
و خواسته از

پذیری از غرب سرگردان است.  
مشکلات فکری بسیار است. یافتن ربطه بین سنته هیبت و غرب، از مسائل معرفتی  
بسیار مهم است. باید بد همیشه ماجهیست و چگونه باید آن را تعریف کرد از حدود افون  
پیش باحضور استعمار مشکلاتی به وجود آمد که پیش قابل توجهی از جهان اسلام را  
عمل باچالش همچنان در نوع ربطه با غرب روپرورد کرد. سایه استعمار اگرچه ظاهر  
در قرون پیشتر از سر دنیا اسلام گوتان شده اما هنوز آثار تخریبی آن دوران در تمدن  
پیش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بدبادر است. روزیم صهیونیستی از اثرا بر جای  
مله‌های ایران لست استعمال به علمی بزرگانه در سیلی از تحولات موردنیاز و مثبت  
چالعه اسلامی تبدیل شده است. وجود روزیم صهیونیستی همچون یک نامنجاری، تعلل  
اجرامی را تعریف کند. مسلمانان در محاوار فرق عقیدتی توحید یعنی شریک قائل  
نشدن برای خواسته مشکلی ندانند. در این آفرین یگانگی خداوند و تعالی آن در زن  
روانی فردی و اجتماعی مسلمانان به شکل کامل نهاده شده است. اگر یه تاریخ بت  
بررسی و شرک آنها بشناسیم، به خوبی به نهاده شده عقیدتی توحید در جامعه پیشوی  
بی خواهیم برد. باید این توحید را در عصر حاضر باید به گونه‌ای دیگر باز تعریف کرد  
توحید باید به آزادگی و ارزش والای انسان مبنی شود. انسانی که مخلوق خداوند است  
خداوندی که به یگانگی می‌جوانیم. توحید در اندیشه می‌باشد، باید با تجاوز گزینی پسر  
علیه بشر مقابله کند. توحید یعنی آزادگی، پیشرفت و توسعه فردی و اجتماعی. توحید  
یعنی تعلل با اعتماد زمان توحید پنهان یگانگی دنیا و آخرت.

توحید نه تنها بارون آزادگی انسان و حقوق آن در تعارض نیست بلکه هر گونه  
مقاله با حقوق انسان مقابله بالمثل توحید است. گاهی در نگاه فلسفی و کلامی، گمان  
جزود که توحید مفهونی فراطبیعی است و با عالم طبیعت ناشایگاری؛ بر حالی که هیچ  
فاسله و ناصیلگری ای بین توحید و عالم طبیعت وجود ندارد. تصور من بر این است که  
دو گانه پندتاشن عالم طبیعت و ماورای طبیعت رسانه در آینه‌ای دو گانه پرسنی دارد.  
بلو دو گانه پرسنی به مرور زمان به اندیشه پارهای از فلسفه اسلام راه یافته است.  
یگانگی خداوند تنها برای مسائل عباری نیست بلکه در صریحت آن جهان و  
حقوق پسر حضوری جدی دارد. این اولادگی، مسشی فردی و اجتماعی و رفتار مفهومانه  
با توحید مفاهیت دارد. مفت «قررت» خداوند را باید در تأثیر یادداشت انسان و حق  
نتخیار و تخلف با تفسیر کرد. توحید و گلار کردی موثر در مسائل  
اجتماعی، سیاسی و مسائل حقوقی خارج نزول و حق و ظهور اسلام، همگی برای انسان  
است اگر خداوند «کل یوم عوقی شان» است پس چرا ماباید از اینها هنی شان ماضی  
(در گذشته) بیشم؟ چرا باید خداوند از معرفت این چهانی نادیده تصور کنیم خروج از  
دلبره توحید، با چاهلیت یکی است خروج از توحید و پیوستن به چاهلیت در هر دوره و  
زمی میکانی دارد. خود و باید این پر هیز کرد. جهان اسلام از مشکلات و فقر فرهنگی  
و فکری مسیاری رنج می‌برد بخشی از این مشکلات از بیرون تحمیل شده و بخشی درونی  
و ساختاری آن مشکلات فکری، باعث سودگی در تعریف از هیبت شدند.

اسلام‌این ظرفیت را دارد که با روپروردی جهان شمول، مفاهیمی چون انسان،  
طبیعته علم، عدالت و پریوری را به دنیا عرضه کند.

نه تأکید تان به بازخوانی مجدد آندیشه اسلامی در مبحث توحید، برخاسته از  
همین مبنای است؟

بله برازین باورم که دین تنها برای عبادت نیست. دین به معنای حقوق هم هست  
باید دید. دین چگونه می‌خواهد از حقوق انسان در دنیا معاصر دفاع کند من معتقدم  
آنکه اسلام، بینان چندین تعریف را باز اصلی مهیم به نام توحید گرفته است. مانند از  
هر کسی تلازه از مفهوم توحید است؛ درکی با اکل کرده مناسب برای واقعیات دنیا هم کی که  
بتواند در برآبر مشکلات گوناگون از اشغالگری و دیکتاتوری گرفته تا پایمال شدن حقوق  
اسلام را حل آفریند کند توحید تنها یک باور تقدیمی نیست؛ توحید باید در من جمله  
حضور داشته باشند توحید اگر یا مبینی انسان گرفتار شود می‌تواند مفاسد حقوق هم هست  
اسلامی را تعریف کند. مسلمانان در محاوار فرق عقیدتی توحید یعنی شریک قائل  
نشدن برای خواسته مشکلی ندانند. در این آفرین یگانگی خداوند و تعالی آن در زن  
وروانی فردی و اجتماعی مسلمانان به شکل کامل نهاده شده است. اگر یه تاریخ بت  
بررسی و شرک آنها بشناسیم، به خوبی به نهاده شده عقیدتی توحید در جامعه پیشوی  
بی خواهیم برد. باید این توحید را در عصر حاضر باید به گونه‌ای دیگر باز تعریف کرد  
توحید باید به آزادگی و ارزش والای انسان مبنی شود. انسانی که مخلوق خداوند است  
خداوندی که به یگانگی می‌جوانیم. توحید در اندیشه می‌باشد، باید با تجاوز گزینی پسر  
علیه بشر مقابله کند. توحید یعنی آزادگی، پیشرفت و توسعه فردی و اجتماعی. توحید  
یعنی تعلل با اعتماد زمان توحید پنهان یگانگی دنیا و آخرت.

توحید نه تنها بارون آزادگی انسان و حقوق آن در تعارض نیست بلکه هر گونه  
مقاله با حقوق انسان مقابله بالمثل توحید است. گاهی در نگاه فلسفی و کلامی، گمان  
جزود که توحید مفهونی فراطبیعی است و با عالم طبیعت ناشایگاری؛ بر حالی که هیچ  
فاسله و ناصیلگری ای بین توحید و عالم طبیعت وجود ندارد. تصور من بر این است که  
دو گانه پندتاشن عالم طبیعت و ماورای طبیعت رسانه در آینه‌ای دو گانه پرسنی دارد.  
بلو دو گانه پرسنی به مرور زمان به اندیشه پارهای از فلسفه اسلام راه یافته است.  
یگانگی خداوند تنها برای مسائل عباری نیست بلکه در صریحت آن جهان و  
حقوق پسر حضوری جدی دارد. این اولادگی، مسشی فردی و اجتماعی و رفتار مفهومانه  
با توحید مفاهیت دارد. مفت «قررت» خداوند را باید در تأثیر یادداشت انسان و حق  
نتخیار و تخلف با تفسیر کرد. توحید و گلار کردی موثر در مسائل  
اجتماعی، سیاسی و مسائل حقوقی خارج نزول و حق و ظهور اسلام، همگی برای انسان  
است اگر خداوند «کل یوم عوقی شان» است پس چرا ماباید از اینها هنی شان ماضی  
(در گذشته) بیشم؟ چرا باید خداوند از معرفت این چهانی نادیده تصور کنیم خروج از  
دلبره توحید، با چاهلیت یکی است خروج از توحید و پیوستن به چاهلیت در هر دوره و  
زمی میکانی دارد. خود و باید این پر هیز کرد. جهان اسلام از مشکلات و فقر فرهنگی  
و فکری مسیاری رنج می‌برد بخشی از این مشکلات از بیرون تحمیل شده و بخشی درونی  
و ساختاری آن مشکلات فکری، باعث سودگی در تعریف از هیبت شدند.

هویت جهان اسلام بیش از یک قرن است که بین الکو پیغمبری از سنت والکو